

1087

۵۰۰
۱
۲۰۰
۶۰۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

www.ketab.ir

راه‌ها و ابزارهای نفوذ شیطان
و روش‌های مقابله با آن
از دیدگاه امیرالمؤمنین (علیه السلام)

حسین ابراهیمی

سرشناسه:	ابراهیمی، حسین، ۱۳۵۲
عنوان و پدید آورنده:	راه‌ها و ابزارهای نفوذ شیطان و روش‌های مقابله با آن از دیدگاه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) / حسین ابراهیمی
مشخصات نشر:	قم، سرای کتاب ۱۳۹۸
مشخصات ظاهری:	۲۰۰ صفحه
شابک:	۹۷۸ - ۶۲۲ - ۶۵۶۷ - ۴۵ - ۹
وضعیت فهرست نویسی:	فپا
موضوع:	علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. - دیدگاه درباره شیطان
موضوع:	شیطان - جنبه‌های قرآنی
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۸ ۲ الف ۹۳ ش ۳۸۰۹ BP
رده‌بندی دیوبی:	۲۹۷/۹۵۱
شماره کتاب شناسی ملی:	۵۶۶۸۵۳۹

انتشارات سرای کتاب

۰۹۱۰۷۷۱۷۰۸۷

شناختنامه

عنوان کتاب: راه‌ها و ابزارهای نفوذ شیطان و روش‌های مقابله با آن از دیدگاه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)

نویسنده و پژوهشگر: حسین ابراهیمی

صفحه آرای: سید جواد حائری

ناشر: سرای کتاب

تیراژ: ۵۰۰ جلد

نوبت چاپ: چاپ اول، ۱۳۹۸

قیمت: ۲۶۰۰۰ تومان

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است

فهرست مطالب

۱۱.....	دیباچه.....
۱۳.....	مقدمه.....
۱۵.....	۱. بیان مسئله.....
۱۵.....	۲. اهمیت موضوع.....
۱۷.....	۳. سؤال تحقیق.....
۱۷.....	۴. اهداف تحقیق.....
۱۷.....	۵. پیشینه تحقیق.....
۲۳.....	۶. روش تحقیق.....
۲۷.....	فصل اول: مفاهیم و کلیات
۲۹.....	مقدمه.....
۲۹.....	۱. شناسنامه شیطان.....
۳۰.....	ب: فرزندان شیطان.....
۳۱.....	ج: مدت عمر شیطان.....
۳۲.....	د: ویژگی‌ها و صفات شیطان.....
۳۴.....	۲. ماهیت شیطان.....
۳۵.....	الف. از جن.....
۳۷.....	ب. از ملائکه.....
۳۹.....	ج. فرشته ممسوخ.....

۳۹	۳. فلسفه خلقت شیطان و انسان
۴۱	الف. فلسفه آفرینش از دیدگاه عرفا و صوفیه
۴۲	ب. فلسفه آفرینش از دیدگاه حکما و فلاسفه
۴۸	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۵۰	۴. حیطة نفوذ شیطان
۵۰	الف. نفوذ در عرصه تکوین و آفرینش
۵۱	ب: نفوذ و اطلاع از عالم غیب
۵۳	ج. نفوذ و احلال در وحی
۵۶	د. نفوذ و تسلط بر انسان‌ها
۵۹	نفوذ در فوه و ائمه
۶۶	نفوذ در فوه عاقله
۷۸	۵. اهداف شیطان
۷۸	الف. فراموشاندن یاد خدا
۸۰	ب. ناسپاس کردن مردم و فراموشاندن نعمتهای الهی
۸۲	ج. سرگرم نمودن به آرزوها
۸۵	د. ایجاد غفلت از آخرت و هدف خلقت
۸۸	جمع‌بندی
۹۱	فصل دوم: راه‌ها و ابزارهای نفوذ شیطان از دیدگاه علی (ع)
۹۳	مقدمه
۹۳	۱. ایجاد شک و تردید
۹۶	نقد و بررسی
۹۹	۲. تزیین و تسویل
۱۰۲	۳. تکبر

معنای کبر.....	۱۰۲
نکوهش کبر.....	۱۰۵
۴. حسادت.....	۱۱۰
۵. وابستگی به دنیا.....	۱۱۱
۶. خشم و غضب.....	۱۱۴
۷. غرور بر خاسته از محبت اهل بیت (علیهم السلام).....	۱۱۵
۸. غلو.....	۱۱۷
۹. وارد کردن عوام الناس در فلسفه و عرفان.....	۱۱۹
۱۰. سرگرم کردن به شهادت نفسانی:.....	۱۲۴
فصل سوم: راه‌ها و روش‌های مبارزه با شیطان از دیدگاه امیرالمؤمنین (علیه السلام).....	۱۲۹
مقدمه.....	۱۳۱
بخش اول: روش‌های مقابله با بیماری‌های خاص.....	۱۳۱
۱. درمان شک و وسواس.....	۱۳۱
۲. درمان تکبر.....	۱۵۴
۳. درمان غضب.....	۱۶۱
۴. درمان حسادت.....	۱۶۳
۵. درمان وابستگی به دنیا.....	۱۶۴
بخش دوم: روش‌های عمومی مبارزه با شیطان.....	۱۷۵
۱. تحکیم پایه‌های اعتقادی.....	۱۷۵
۲. ایجاد محبت خدا در دل.....	۱۸۰
۳. روزه.....	۱۸۲
۴. صدقه.....	۱۸۳
۵. دعا کردن.....	۱۸۶

۶. اذان گفتن: ۱۸۷
۷. سجده‌های طولانی ۱۸۷
۸. سوءظن به خویش ۱۸۸
۹. نماز ۱۹۰
- خاتمه و نتیجه‌گیری: ۱۹۲
- نکته آخر: مبارزه ادامه دارد ۱۹۳
- فهرست منابع ۱۹۵

در ابتدا به رسم ادب و احترام، سپاس گذاری می کنم از:
جناب آیت الله سید محمد غروی زید عزه
که زحمت راهنمایی این حقیر را بر عهده داشتند.
همچنین از فاضل محترم جناب حجت الاسلام و المسلمین دکتر غفاری
قمی که زحمت مشاوره بنده را تقبل نمودند قدردانی می نمایم.
و همچنین از مدیر محترم بنیاد نهج البلاغه جناب آیت الله دین پرور کمال
شکر را دارم
وَمِنْ اللَّهِ الْوَفِيقُ

دیباجه

این کتاب از سه فصل و یک خاتمه تشکیل یافته است. در فصل اول به فاهیم و کلیاتی مثل شناسنامه شیطان، ماهیت شیطان، فلسفه خلقت شیطان، حیطه نفوذ شیطان و اهداف شیطان پرداخته شده است.

از نوآوری‌های این فصل این است که با مستندات قرآنی ثابت شده است که سؤال از هدف خلقت شیطان، از اساس غلط بوده و باید به فلسفه امهال شیطان تغییر عنوان بدهد.

نوآوری دیگر، تبیین حیطه نفوذ شیطان در دو قوه واهمه و عاقله است که در هیچ کتابی با چنین چیرگی و مستنداتی دیده نمی‌شود.

در فصل دوم این رساله به بیان مصادیقی از حیطه نفوذ شیطان در دو قوه واهمه و عاقله پرداخته شده است.

در فصل سوم این رساله به روش‌های مقابله بانفوذ شیطان در انسان از دیدگاه علی (علیه السلام) پرداخته شده است. این روش‌ها به دو قسمت تقسیم گشته‌اند: در یک قسمت، به ده روش عمومی مبارزه و مقابله با شیطان که برای درمان هر مشکل روحی کارایی دارد، پرداخته شده است. تمام این راه‌های ده‌گانه با توجه به کلمات علی (علیه السلام) گردآوری و تبیین شده است.

در قسمتی دیگر، به روش‌های مقابله با بیماری‌های خاص مثل شک و وسواس، تکبر و... پرداخته شده است. تمامی این راه‌های درمانی نیز مثل قسمت قبل، مستند به فرمایشات علی (علیه السلام) است.

نکته قابل توجه در این فصل تبیین رابطه جسم و روح است که به عنوان مقدمه‌ای برای درمان برخی از بیماری‌ها به کار گرفته شده است. در این قسمت با توجه به برخی از روایات مأثوره، چنین نتیجه گرفته شد که شاید برخی از بیماری‌های روحی مثل حسادت، تکبر، چشم‌چرانی و... علاوه بر

علت‌های روحی، ریشه در عوامل مادی و کمبود برخی از ویتامین‌ها در مغز و نقاط دیگر بدن داشته باشد، زیرا در روایات متعددی آمده است که میوه و یا غذایی خاص تأثیر به سزایی در تغییر حالات روحی انسان می‌گذارد. البته ناگفته پیداست که سببیت این عوامل در حد موجب جزئی است و می‌تواند به عنوان یکی از علل معده از آن بهره‌گیری نمود.

با ظهور و خلقت حضرت آدم (علیه السلام) و با گذاشته شدن شیطان به عنوان ابزاری برای گمراه کردن وی، همواره این دغدغه و پرسش برای متقاضیان راه به تکامل نبود داشت است که اولاً راه‌های نفوذ شیطان چیست و ثانیاً راه مقابله و مواجهه با این راه‌ها چه می‌باشد.

به نظر می‌رسد بهترین راهی که می‌تواند ما را به جواب این دو پرسش برساند، رجوع به کلمات علی (علیه السلام) است که همواره کلماتش، مبین و مفسر کلام خدای متعال است.

در این رساله سعی شده است که با تبیین اهداف شیطان و با تبیین میزان و محیط نفوذ او و با پرده برداری و بیان راه‌های نفوذ و میزان گزندگی و خطرناکی وی، مقدمه و زمینه مقابله با این موجود شریر فراهم گردد.

شیطان گاه با ضربه زدن به عقل به عنوان پایه‌های اصلی رفتارهای بیرونی، اصل ایمان را خدشه‌دار می‌کند و گاه با نفوذ در قوه واهمه انسانها را به وادی تکبر، حسادت، شهوت پرستی و... می‌کشاند.

نقطه ضعفهای بدن انسان نیز، زمینه خوبی را برای نفوذ بیشتر او فراهم کرده و او را به وادی هلاکت نزدیک می‌گرداند.

اما عدالت خدای متعال ایجاب می‌کند که در مقابل این خطرهای بزرگ، با ابزاری مثل توکل انسانها را کمک کرده و به سر منزل هدف از خلقت برساند.

مقدمه

رسیدن به سعادت و خوشبختی حقیقی، آرزوی هر انسان متفکری است که خود را در این دنیا، یله و رها ندیده و برای روح و جسم خودش، وظایفی را در نظر گرفته است. البته رسیدن به این سعادت، جز با رنج و زحمت به دست نیامده و بدون داشتن نقشه راه و بدون داشتن یک برنامه منسجم، طی این مسیر دشوار، چه بسا محال می‌نماید.

انسان در جهان بینی اسلامی، نه تنها بیهوده و بی‌هدف خلق نشده، بلکه برای او، برنامه‌های متنوع و متعددی را در نظر گرفته‌اند. البته در این جهان بینی خطراتی را گوشزد انسان نموده‌اند که با بی‌توجهی به آن، نه تنها پیشرفتی برای انسان در این مسیر حاصل نخواهد شد، بلکه نتیجه این بی‌توجهی، عقب‌گردهای متعدد و نهایتاً سقوط در دره‌های خطرناک خواهد بود.

از جمله این خطرات، شیطان است که با یارانش درصدد گمراهی و عقب‌راندن روندگان راه سعادت است.

متأسفانه این موضوع به جهت تکرار آن در زبان‌ها، جزء یکی از موضوعات پیش پا افتاده قلم داد گشته و کارایی خودش را تا حدی از دست داده است. علامه طباطبایی در این باره چنین می‌فرمایند:

«عاد موضوع إبلیس موضوعاً مبتدلاً عندنا لا یعبأ به دون ان نذكره أحياناً و نلعنه أو نتعوذ بالله منه أو نقبح بعض أفكارنا بأننا من الأفان السیطانية و وساوسه و نزغاته دون آن نتدبر فنحصل ما يعطيه القرآن الكريم في حقيقة هذا الموجود العجيب الغائب عن حواسنا و ما له من عجيب التصرف و الولاية في العالم الإنساني؛ و كيف لا و هو يصاحب العالم الإنساني على سعة نطاقه العجيبة منذ ظهر في الوجود حتى ينقضي أجله و ينقرض بانطواء بساط الدنيا ثم يلزمه بعد الممات ثم يكون قرينه حتى يورده

النار الخالده و هو مع الواحد منا كما هو مع غيره هو معه في علانيته و سره يجاريه كلما جرى حتى في أخفى خيال يتخيله في زاويه من زوايا ذهنه أو فكرة يوارئها في مطاوي سريره لا يحجب عنه حاجب و لا يغفل عنه بشغل شاغل»^۱.

این نگاه ساده به چنین مسئله بزرگی که سعادت حقیقی انسان را به خطر می‌اندازد، نباید ما را به غفلت از آن بکشانند؛ بنابراین با طرح دوباره این موضوع، باید این خطر را، به‌عنوان خطری بالفعل برای خودمان و دیگران گوشزد نماییم.

در این رساله سعی بر این است که موضوع شیطان را با محور قرار دادن کلمات علی‌الحکم مطرح و شیوه‌ها و ابزارهای نفوذ او را شناسایی کنیم. راه‌های جلوگیری از نفوذ او با توجه به بیانات آن حضرت، می‌تواند خطر او را خنثی و ما را به سرمه‌نال مقصود برساند.

۱) موضوع ابلیس نزد ما امری مبتذل شده و اعتنایی به آن نداریم جز اینکه روزی چند بار او را لعنت کرده و از شرش به خدا پناه می‌بریم و بعضی افکار پریشان خود را به دلیل اینکه از ناحیه اوست تقبیح می‌کنیم. ولی باید بدانیم که این موضوع، موضوعی است بسیار قابل تأمل و شایان دقت و بحث و متأسفانه تاکنون درصدد فهم نظر قرآن کریم درباره حقیقت این موجود عجیب، برنیامده‌ایم. موجودی که در عین غایب بودن از حواس ما، تصرفات عجیبی در عالم انسانیت دارد؛ و چرا نباید درصدد شناخت آن برآییم؟ چرا نسبت به شناخت این دشمن خانگی و درونی خود بی‌اعتناییم؟ دشمنی که از روز پیدایش بشر تا روزی که بسط زندگی‌اش به حیده می‌شود و حتی پس از مردنش هم‌دست از گریبان او برنمی‌دارد و تا در عذاب و دوزخش نیندازد، آرام نمی‌گیرد. آیا نباید فهمید این چه موجود عجیبی است که در عین اینکه همه حواسش گمراه کردن یکی از ماست، عیناً به همان صورت و در همان وقت سرگرم گدازه ساختن همه فرزندان نوع بشر است؟ در عین حال که از آشکار همه باخبر است از نهان آنان نیز اطلاع دارد، حتی از نهفته‌ترین و پوشیده‌ترین افکاری که در زوایای ذهن و فکر آدمی جا دارد باخبر است و علاوه بر اینکه باخبر است، مشغول دسیسه کردن در آن افکار و گمراه ساختن صاحب آن نیز هست. طباطبائی، محمد حسین، «المیزان فی تفسیر القرآن»، ج ۸، ص ۳۶.

۱. بیان مسئله

هر انسانی برای رسیدن به هدف مورد نظرش باید قبل از حرکت، راه‌های رسیدن به آن هدف را شناسایی کرده و بعد از آن، قدم در مسیر بگذارد. حداقل خسارتی که با عدم رعایت این مطلب بر انسان وارد می‌شود، این است که راه را بر خود دور کرده و دیرتر به مقصد خواهد رسید.

خدای متعال برای خلقت انسان، هدفی را مشخص کرده است. از طرفی دیگر شیطان نیز تصمیم گرفته که این هدف را تحت الشعاع قرار داده و در مقابل خدای متعال بایستد. وی برای این منظور، راه‌ها و روش‌هایی را اتخاذ نموده است. در این تحقیق، سعی بر این است که این راه‌ها، شناسایی و روش مقابله با آن از دیدگاه علی‌علیه مورد تبیین قرار بگیرد تا هر کسی که طالب راه حق است، با چشایی باز و بصیرتی وافر، به سیر و سلوک در راه خدا گام گذاشته و به هدف از خلقت نزدیک برگردد.

۲. اهمیت موضوع

هدف از خلقت، عبادت و بندگی خدای متعال بیان شده است و تمام سرمایه‌های به کار گرفته شده در این زمینه مثل به‌کارگیری ملائکه، ارسال رُسُل، ایجاد سنت‌های تکوینی در عالم خلقت و ... همه‌اش در راستای تحقق این هدف بزرگ بوده است. بنابراین، اگر چیزی بتواند این هدف را خدشه دار کند، حتماً و باید مورد شناسایی قرار گرفته و مایهت و مکانیسم عمل او تبیین شود. شیطان قسم‌خورده است که انسان را از او و سرانجام و پایان کار آن‌ها را جهنم قرار دهد، یعنی هدفی در مقابل هدف خدای متعال.

اگرچه بزرگی هدف او، به اندازه بزرگی هدف از خلقت نمی‌باشد، ولی این نیت، هدف‌پلیدی است که شیطان به همراه یارانش در حال اجرای آن

است و کم و بیش در این کار موفق بوده است.^۱ به عبارت دیگر، شناخت مبدأ و معاد و راهنما، اگرچه اصول هدایت بشر را سامان بخشیده است، ولی امر هدایت هرگز بدون شناسایی موانع، چالش‌ها و دشمنان کامل نمی‌شود. بدین روی، بخش مهمی از کتاب‌های آسمانی و آموزه‌های وحیانی، به دشمن شناسی و آسیب شناسی مسیر هدایت انسان اختصاص یافته است.

در بیان دشمنان، شناخت ابلیس بسیار ضروری است؛ زیرا ابلیس کانون شرارتها و منشأ لعن‌ها می‌باشد، زیرا او عنصری اغواگر^۲ و فتنه‌گر و فریب‌کار^۳ است که وعده‌هایش فریب^۴، برنامه‌هایش گمراهی^۵، شیوه‌اش حمله همه جانبه^۶ و هدس لگام زدن برای تسلط کامل و فراگیر است.^۷ او دشمنی است که به تغییر عقیده در سینه‌ها پنهانی می‌دمد و در گوش آدمیان، ناپیدا، نجوا می‌کند،^۸ و حتی در حال عبادت از وسوسه دست برنمی‌دارد.^۹ بنابراین، شناختن راه‌ها و روش‌های نفوذ شیطان برای گمراهی انسان‌ها، به عنوان مرحله‌ای مقدماتی و روش‌های مقابله با این نفوذ به عنوان مرحله‌ای دیگر، در ناکام گذاشتن او بسیار مهم می‌باشد.

(۱) وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ. سوره سبأ: ۳۴، آیه ۲۰.

(۲) سوره ص: ۳۸، آیه ۸۲.

(۳) سوره اعراف: ۷، آیه ۲۷.

(۴) سوره نساء: ۴، ۱۲۰.

(۵) همان، آیه ۱۱۹.

(۶) سوره اعراف: ۷، آیه ۱۷.

(۷) سوره اسراء: ۱۷، آیه ۶۲.

(۸) سوره حشر: ۵۹، آیه ۱۶.

(۹) الشریف الرضی، محمد بن حسین، «نهج البلاغه»، خطبه ۸۳.

(۱۰) مجلسی، محمدباقر، «بحارالانوار»، ج ۴۶، ابواب تاریخ سید الساجدین باب ۵، ص: ۵۸.

۳. سؤال تحقیق

سؤال اصلی:

شیطان از چه ابزار و راههایی برای نفوذ در انسان استفاده می‌کند و روش مقابله با آن از دیدگاه علی (ع) کدام است؟

سوالات فرعی:

۱. آیا شیطان قدرت نفوذ در انسان را دارد؟
۲. حیطه نفوذ شیطان کجاست؟ (واهمه یا عاقله و یا ۰۰۰)
۳. شیطان از چه نقطه ضعفهایی برای ضربه زدن به انسان استفاده می‌کند؟

۴. اهداف تحقیق

شناسایی اهداف شیطان، مقصدهای برای مقابله با شیطان است. تا علمی در کار نباشد، عملی محقق نخواهد شد و هرکس بدون علم و اطلاع، گام در مسیری بردارد، از هدف و مقصد دور خواهد شد.

شناسایی اهداف شیطان و روش‌های مبارزه با این موجود پلید، با کمک بیانات علی (ع)، می‌تواند برای اشخاصی که می‌خواهند در راستای هدف خلقت گام بردارند، کمک شایان و بسیار بزرگی را داشته باشد.

۵. پیشینه تحقیق

از دیرباز تحقیق درباره ابلیس، ماهیت او، راهها و روش‌های اضلال و اغوای او، گسترش کوشش و راههای مقابله با او، فرجام و سرانجام او، در میان ادیان و مذاهب وجود داشته است که در برخی از موارد مشابه و در برخی دیگر متفاوت است.

در اوستا از وی به نام انگرمینو و در پهلوی، اهرمن یا اهریمن و در ادبیات فارسی گنمینیو، به معنای مینوی از میان برنده و نابودکننده یادشده

است.^۱ در میان مسیحیان و یهودیان نیز، ابلیس موجودی منفی شناخته می‌شود. در انجیل ابلیس مترادف با شیطان شناسانده شده است و مکرراً از وسوسه‌ها و فریب‌های او هشدار داده شده است.^۲ برخی از عناوینی که در این کتاب برای او آمده است چنین است:

۱. رئیس دیوها^۳
 ۲. رئیس ارواح ناپاک^۴
 ۳. دانا دروغ‌گو و پدر تمام دروغ‌گوها^۵
 ۴. پدر واقعی کت‌پیشگان^۶
 ۵. دشمن شما که مثل شجر گرسنه به دنبال طعمه می‌گردد^۷
- در کتاب انجیل، ابلیس از فرشتگان دانسته شده^۸ و دامنه قدرت وی به‌گونه‌ای گسترده است که از او با عنوان فرمانروای این دنیا،^۹ حاکم این دنیای پر از گناه،^{۱۰} و موجب خون و صرع بادشده^{۱۱} و به توانایی او از این که به صورت فرشته نور درآید تا مردم را بفریبد اشاره شده است.^{۱۲}

(۱) «اوستا»، پیوست‌ها، ص: ۹۳۴.

(۲) «کتاب مقدس»، اعمال رسولان، ۲۶: ۱۸.

(۳) همان، متی ۱۲: ۲۴.

(۴) همان، ۹: ۳۴.

(۵) همان، یوحنا ۴: ۴۳.

(۶) همان، ۸: ۴۵.

(۷) همان، نامه پطرس اول ۵: ۸.

(۸) قاموس کتاب مقدس ص: ۵۴۵.

(۹) کتاب مقدس، یوحنا ۱۲: ۳۱.

(۱۰) همان، نامه دوم قرنتیان ۴: ۳.

(۱۱) «کتاب مقدس»، مرقس ۹: ۱۷.

(۱۲) همان نامه دوم قرنتیان ۱۱: ۱۴.

هم‌چنین در این کتاب، به انسان‌ها چنین سفارش شده است:
خود را با تمام سلاح‌های خدا مجهز کنید تا بتوانید در برابر وسوسه‌ها و
فریادهای شیطان بایستید.^۱

در جایی دیگر، از ازدواج و عدم پیوند با غیر مؤمنین و تکیه بر خداوند به
عنوان راه‌های مقابله با او نام برده شده است.^۲

مباحث مربوط به شیطان در جوامع روایی نیز وارد شد و به غنای این
موضوع افزود. علامه مجلسی یکی از مجلدات کتاب بحارالانوار^۳ را به موضوع
شیطان اختصاص داده و به صورت مبسوطی به این بحث پرداخته‌اند.

بعد از طرح این موضوع در کتب اسمانی و خصوصاً کتاب تحریف نشده
خدای متعال یعنی قرآن نوبت به دانشمندان رسید تا با طرح این مسئله
در کتاب‌هایشان، گامی در جهت معرفت‌افزایی نسبت به این موضوع داشته
باشند. البته برخی از این دانشمندان وجود ابلیس را منکر شده و او را
همان غرایز درونی دانستند که انسان را به سوی شر فرامی‌خواند؛^۴ چنانچه
آدم را نیز آدم نوعی دانسته و داستان آدم و شیطان را یک قصه کاملاً خیالی
مطرح نمودند.^۵

«این گروه به خاطر تأثیرپذیری از علوم طبیعی و منطق حسی، همه حقایق
غیبی را در قالب مادی ریخته و اصولاً منکر واقعی بودن شیطان شده‌اند و
آن را به نفس و غرایز انسانی تفسیر می‌نمایند.»^۶

(۱) همان افسیسان ۱۱: ۶.

(۲) «دایره المعارف قرآن کریم»، ج ۱ ص: ۵۶۱، ۵۶۲.

(۳) مجلسی، محمد باقر، «بحارالانوار»، ج ۶۱.

(۴) محمد، رشید رضا، «المنار»، ج ۱ ص: ۲۶۷.

(۵) همان ج ۸ ص: ۳۵۳.

(۶) سبحانی، جعفر، «منشور جاوید»، ج ۱۱ ص: ۷۵.

این نظریه با ظواهر آیات قرآن کریم و بلکه با صراحت آیاتی که صحبت از ابلیس به میان آورده است، تنافی دارد. از برخی آیات^۱ به‌خوبی فهمیده می‌شود که خدای متعال، ابلیس را به‌طور واضح به آدم و حوا شناسانده است؛ و از آیاتی که گفت‌وگوی آدم و او را نقل می‌کند،^۲ به‌خوبی فهمیده می‌شود که موجودی به نام ابلیس، به‌صورت مستقل وجود دارد.

در آیاتی از قرآن کریم، از شیاطین جنی نام‌برده شده است^۳ که تفسیر آن به نیروهای سریر درونی، دور از واقعیت است. هم‌چنین در برخی دیگر از آیات^۴ از نمثال و بر کفار و تشویق آنان برای جنگیدن با مسلمانان در جنگ بدر نام می‌برد؛ که البته بعد از دیدن ملائکه‌ای که لشکریان اسلام را یاری می‌کردند و با گفتن جمله «إِنِّي أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ»^۵ صحنه جنگ را به آنان واگذاشته و فرار می‌کند. این تفسیر موافق با روایاتی است که در ذیل آیه مورد بحث از طریق شیعه و اهل سنت وارد شده است.^۶

این تعبیر به‌خوبی دلالت بر این مطلب دارد که ابلیس، موجودی حقیقی و نه خیالی است و به‌صورت مستقل (و البته تحت حاکمیت اراده الهی)، انسان‌ها را به بدی دعوت می‌کند.

تحقیق درباره شیطان و راه‌های نفوذ او در کتب تفسیری و اخلاقی، گاه به‌صورت موجز و مختصر و گاه به‌صورت مبسوط پیگیری شده است. مهم‌ترین کتبی که به‌صورت مستقل در این زمینه نگارش یافته است بدین

(۱) سوره اعراف: ۷، آیه ۲۱.

(۲) سوره طه: ۲۰، آیه ۱۲۰.

(۳) سوره انعام: ۶، آیه ۱۱۲.

(۴) سوره انفال: ۸، آیه ۴۸.

(۵) همان، به درستی که من می‌بینم آنچه را که شما نمی‌بینید.

(۶) طبرسی، فضل بن علی، «مجمع‌البیان»، ج ۴ ص: ۶۷۸.

شرح است:

- ۱- تلبیس ابلیس: عبدالرحمن بن علی ابن جو زی
- ۲- تلبیس ابلیس التعیس: محیی الدین عربی
- ۳- ابلیس در آیات و روایات: صفرا رادمرد
- ۴- انسان و شیطان: اصغر قاسمی
- ۵- جایگاه فرشته، شیطان، انسان و... در آفرینش: زین العابدین قربانی لاهیجی.
- ۶- جن و شیطان در آئینه وحی و روایات: حسین باقری
- ۷- جهنم، میعادگاه پیروان شیطان: محمدحسین محمدی
- ۸- خطوات شیطان: غلامحسین حسینی قضایی
- ۹- راه‌های نفوذ شیطان برای فریب انسان: عبدالحمید بلالی
- ۱۰- شیطان چالش‌ها و رازکارها: سعید اعرجی
- ۱۱- شیطان در کمین انسان: سعید مهدی رضایی
- ۱۲- شیطان را بهتر بشناسیم، او در کمین ماست: رضا محمدی تبار
- ۱۳- شیطان و اهل تقوا: حسین انصاریان
- ۱۴- شیطان مأمور گمراهی: محمدحسین محمدی
- ۱۵- مهار کردن شیطان: انتشارات هنارس
- ۱۶- بررسی موانع هدایت در قرآن (خطوات شیطان): نعمت‌الله جعفری
- ۱۷- شیطان از دیدگاه آیات و روایات: زهرا حاج غلامعلی
- ۱۸- شیطان از دیدگاه اسلام: فاطمه کرمی نژادپ
- ۱۹- شیطان در قرآن: سید حسن موسوی احمدآبادی
- ۲۰- شیوه‌های اغواگری شیطان از دیدگاه قرآن: منصوره امیر آتسانی
- ۲۱- مقایسه صفات و آثار نفس اماره با شیطان از دیدگاه قرآن و حدیث: علی‌رضا خلیلی

۲۲- اوصاف شیطان در قرآن: فاطمه اقلیدی نژاد

اهمیت طرح دوباره این موضوع با محور قرار دادن کلمات علی (ع)، از آن جهت است که هیچ‌کس به‌درستی و زیبایی تمام، مثل علی (ع) درباره این موضوع، سخن نرانده و مطلب ننوشته است. به همین دلیل، هر محققى که درباره شیطان سخن گفته و مطلب نوشته است، بی‌نیاز از سخنان علی (ع) نبوده و نیست.

عدوت و کینه‌توزی شیطان نسبت به بنی‌آدم، عقل انسان را به این فکر می‌انگیزد که در مقابل دشمنی که نمی‌شود او را دید، چه باید کرد؟ تجهیزات این دشمن مثل دشمنان دیگر به راحتی قابل شناسایی نیست و نحوه به‌کارگیری آن نیز مجهول دیگری است که به او قدرت بیشتری را برای به انحراف کشیدن انسان می‌دهد.

از طرف دیگر، عدالت خداوندی ایجاب می‌کند که در این جنگ به ظاهر نابرابر، با القای مطالبی که به شناسایی او بیانجامد و هم‌چنین با قرار دادن ابزاری برای رویارویی با او مثل توکل، جبهه‌ها را در برابر او نصرت بخشیده و ما را در این راه کمک کند. فرمایشات امیرالمؤمنین (ع)، تفسیری جامع بر تبیین کیفیت این دشمنی و راه‌های مبارزه با شیطان است که به نحو بسیار بلیغ و شیوا در نهج‌البلاغه و کتبی که جامع سخنان آن حضرت است بیان شده و از این موجود شریر سخن رانده است.

بنابراین وجه افتراق این تحقیق با تحقیقات و نوشته‌های دیگران در این است که هیچ‌یک از آن‌ها، با محور قرار دادن سخنان آن حضرت، در این باره تحقیق نکرده‌اند و درواقع یک تحقیق جامع و کامل درباره ابلیس و بی‌انسانش که مستندات آن، فقط فرمایشات علی (ع) باشد، وجود ندارد.

۶. روش تحقیق

در این تحقیق، از روش کتابخانه‌ای و با رویکرد اجتهادی در داده‌هایی که از منابع مرجع و دست اول به دست آمده بود استفاده گردید. البته این تحقیق با کمک‌گیری از تفاسیری که بر این کتب نوشته شده بود تکمیل گردید که فهرست آن‌ها خواهد آمد.

۱. بررسی واژه‌ها

۱- واژه ابلیس

واژه ابلیس در قرآن کریم ۱۱ مرتبه به کار رفته است.^۱ درباره ریشه لغوی این واژه دو دیدگاه وجود دارد. (این دو دیدگاه از مجموع نظرات ۳۲ نفر از لغت‌شناسان و مفسران اتخاذ شده است).^۲

الف: از ماده (ب، ل، س)

برخی از لغت‌شناسان و مفسران این واژه را از ماده (ب، ل، س) که به معنای حزن، یاس، سکوت، پشیمانی و حیرت است می‌دانند.^۳ ایشان ابلیس را بر وزن افعیل دانسته و علت نام‌گذاری او را به این نام، از این جهت می‌دانند که از رحمت الهی مأیوس و پشیمان شد. بر اساس این دیدگاه، کلمه ابلیس غیر منصرف بوده و به اعلام بیگانه شباهت دارد. شیخ طوسی در این باره چنین می‌گوید:

«ابلیس مشتق من الابلّاس و هو الیاس من روح الله الا انه یتحدّ بالاعجمی من جهه انه لم یستعمل الا علی جهه العلم فلم یصرف».^۴

(۱) عبد الباقی، محمد فؤاد، «المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم»، ماده بلس ص: ۱۳۴.

(۲) واعظ زاده خراسانی، محمد، «المعجم فی فقه القرآن و سر بلاغت»، ج ۱ ص: ۱۴۷-۱۵۱.

(۳) ابن فارس، احمد، «مقائیس اللغه»، ج ۱ ص: ۲۹۹.

(۴) ابلیس از کلمه ابلاس به معنای یاس از رحمت خدا است ولیکن به کلمات عجمی شباهت دارد و از آن جهت که علم است غیر منصرف است، الطوسی، ابوجعفر، «تبیان»، ج ۶ ص: ۳۳۳.

برخی از صاحبان این رأی، از مأخذ اصلی این واژه و چگونگی انتقال آن به زبان عربی سخن نگفته‌اند. کسانی هم که به بررسی و کاوش پرداخته‌اند به نظر یکسانی نرسیده‌اند. بیشتر خاور شناسان چون گایگر و فون کومر این واژه را برگرفته از کلمه یونانی دیابولس diabolos دانسته‌اند.^۱ لفظ دیابولس در ترجمه معادل لغت عبری stn (شیطان) است که در عهد عتیق به کار رفته است.

ب- از ماده (بالوس)

علامه مصطفوی احتمال می‌دهد که ابلیس از ماده بالوس که به معنای غریب باشد است اشتقاق پیدا کرده باشد.^۲

ج- از ماده (بالس)

احتمال دیگری که ایشان می‌دهند این است که ابلیس از ماده بالش که به معنای پلیس سری و به معنای جستجو و تفتیش و کاوش است، اتخاذ شده باشد.^۳

۲- واژه شیطان

واژه شیطان و شیاطین نیز ۸۸ مرتبه در قرآن به کار رفته است.^۴

راغب در کتاب خودش، این واژه را از ماده شطن می‌داند؛ بنابراین نظر، حرف نون در آخر این کلمه جز حروف اصلی بوده و به معنای دور شدن خواهد بود.^۵

بنابراین، معنای شیطان این می‌شود که وی، از رحمت حق دور شده است.

(۱) «دائرة المعارف الاسلامیه»، ج ۱۴ ص: ۵۱.

(۲) مصطفوی، حسن، «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم»، ج ۱ ص: ۳۱۴.

(۳) همان.

(۴) عبد الباقی، محمد فواد، «المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم»، ص: ۳۸۲.

(۵) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، «مفردات لالفاظ القرآن الکریم»، ص: ۲۶۵.

احتمال دیگر در این باره، این است که حرف نون در این کلمه، زائده باشد؛ بنابراین احتمال، کلمه شیطان از کلمه «شاط یشیط» اشتقاق یافته و به معنای آتش گرفتن از روی غضب خواهد بود. لذا از این جهت به شیطان، شیطان می‌گویند که خلقت او از آتش بوده است.^۱

از بررسی موارد کاربرد واژه شیطان در قرآن برمی‌آید که در اغلب این موارد، این کلمه درباره ابلیس بکار رفته است.^۲

(۱) همان ص: ۲۶۵، ۲۶۶.

(۲) طباطبایی، سید محمدحسین، «المیزان فی تفسیر القرآن»، ج ۱۴ ص: ۳۴۳.